DOI: 10.22122/rbs.v16i1.2081 Published by Vesnu Publications

رابطه ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی با واسطه‌گری ارزش‌های ازدواج در افراد متأهل

محمد آهنگرکانی[۱]، اصغر پوردرویش[۲]، فاطمه شفیعی[۳]، الهه گودرز ناصری[۴]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به نقش مذهب در عملکرد اعضا و سلامت روانی جامعه و با عنایت به تأثیرگذاری زمینه‌های خانواده و ارزش‌های آن در شکل‌گیری جهت‌گیری مذهبی، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر واسطه‌ای ارزش‌های ازدواج در رابطه بین ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی در افراد متأهل انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، ۳۵۷ نفر (۲۰۸ زن و ۱۴۹ مرد) که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای (منطقه‌ای)، از بین افراد متأهل شهرستان بابل انتخاب شده بودند، شرکت نمودند. مشارکت‌کنندگان ابزارهای مدل ساختار خانواده Olson، جهت‌گیری مذهبی Allport و ارزش‌های ازدواج دلخموش را تکمیل کردند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشانگر تأثیر مستقیم انسجام خانواده با جهت‌گیری مذهبی درونی ($P < ۰/۰۱$)، جهت‌گیری بیرونی ($P < ۰/۰۱$)، محاط‌شدگی ($P < ۰/۰۱$)، برابرنگری ($P < ۰/۰۱$)، خودمختاری عاطفی ($P < ۰/۰۵$)، خودمختاری عقلانی ($P < ۰/۰۵$) و سلسله مراتبی ($P < ۰/۰۱$) بود. همچنین، بین مؤلفه انعطاف‌پذیری با جهت‌گیری درونی ($P < ۰/۰۵$)، خودمختاری عاطفی ($P < ۰/۰۵$)، خودمختاری عقلانی ($P < ۰/۰۵$) و برابرنگری ($P < ۰/۰۱$) تأثیر مستقیمی وجود داشت و تحلیل مسیر و شاخص‌های برازش نکویی مدل نیز از اثر واسطه‌ای ارزش‌های ازدواج حمایت کرد.

نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مؤلفه‌های ساختار خانواده و ارزش‌های ازدواج به عنوان دو سازه روان‌شناختی، می‌توانند در نوع جهت‌گیری مذهبی نقش داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: اعضای خانواده، باورهای مذهبی، الگوهای ازدواج، افراد متأهل

ارجاع: آهنگرکانی محمد، پوردرویش اصغر، شفیعی فاطمه، گودرز ناصری الهه. **رابطه ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی با واسطه‌گری ارزش‌های ازدواج در افراد متأهل.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۷؛ ۱۶ (۱):۱۰۰-۹۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۲۴ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰ تاریخ چاپ: ۱۳۹۷/۱/۱۵

مقدمه

مذهب نوعی نیروی روان‌شناختی است و از آن به عنوان مقابله مذهبی یاد می‌کنند که با بهره‌گیری از باورها و اعمال‌مذهبی، به مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا اشاره دارد (۲، ۱). دین و مذهب از این جهت که در فرایند مقابله با حوادث و مشکلات نقش‌های معنایابی، احراز حس کنترل از موقعیت، اعتماد به نفس و ایجاد حس اطمینان و آرامش و لذت معنوی در فرد دارد، از عوامل تأثیرگذار در سلامت روان محسوب می‌شود (۵-۳).

اندیشمندان، دین را با توجه به ریشه لاتینی آن، تفکر از روی وجدان می‌دانند؛ به طوری که عامل اصلی روان‌نژندی (Neurosis) را عدم ارتباط معنوی بیان کرده‌اند (۶). جان بزرگی نیز با توجه به علل اعتقادات، باورها و رفتارهای مذهبی، مذهب را به دو صورت بیرونی و درونی تعریف کرده است. منظور وی از جهت‌گیری درونی (Internal orientation)، عبارت از یک تعهد انگیزشی فراگیر که غایت و هدف است و جهت‌گیری بیرونی را وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی می‌داند (۷).

تحقیقات انجام شده نشان دهنده آن است که مذهب هم به طور مستقیم بر سلامت جسمانی و بهزیستی روان‌شناختی افراد و هم به طور غیر مستقیم بر سلامت نظام خانواده و اعضای آن و رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد؛ به طوری که در این راستا نتایج مطالعات بیانگر ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی با بهزیستی روان‌شناختی، افسردگی زنان سالمندان و واکنش‌پذیری استرس، بخشایش، بهداشت روانی و افزایش عزت نفس، کاهش اختلالات روانی همچون افسردگی، تنیدگی و ارتقای سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار می‌باشد (۱۱-۸).

همچنین، پژوهش در زمینه ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی با ساختار خانواده حکایت از رابطه این مؤلفه با ساختار خانواده دارد (۱۲). مطالعات متعدد به نقش مذهب و عمل به باورهای دینی در روابط زناشویی، تعارضات و ناسازگاری خانوادگی، رضایتمندی زناشویی و سازگاری (انعطاف‌پذیری) و فرایند حل تعارض اشاره کرده‌اند (۱۷-۱۳).

ساختار خانواده (Family structure) و ارزش‌های ازدواج (Marital values) دو سازه روان‌شناختی می‌باشند که می‌توانند نقش مؤثری

۱- دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
۲- دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
۴- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
نویسنده مسؤول: محمد آهنگرکانی
Email: m_ahangarcani@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]

در جهت‌گیری مذهبی داشته باشند (۱۸). خانواده به عنوان مولد نیروی انسانی، نقشی اساسی در رشد احساسات و ارزش‌ها، اعتماد به نفس، اجتماعی شدن، شخصیت، یادگیری و تصمیم‌گیری منطقی اعضای خانواده بر عهده دارد (۱۹). با این اوصاف، خانواده‌ها زمانی می‌توانند به این چنین اهدافی دست یابند که بتوانند در نظام خانواده ساختاری را ایجاد کنند که معرف روابط اعضا، حقوق و تکالیف متقابل آن‌ها باشد. Olson درآخرین نسخه مدل چند مختصاتی، بر دو بعد کارکرد زناشویی و خانوادگی یعنی انسجام (Cohesion) (میزان صمیمیت و پیوند عاطفی بین اعضای خانواده) و انعطاف‌پذیری (Flexibility) (میزان توانایی نظام خانواده برای تغییر در ساختار قدرت، نقش‌ها و قوانین) اشاره می‌کند؛ به طوری که این دو بعد را مشخص‌کننده رضایت زناشویی و خانوادگی می‌داند (۲۰). نتایج مطالعه‌ای که به صورت مستقیم به ارتباط بین ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی پرداخت، نشان داد که ارتباط مثبتی بین ساختار منسجم و انعطاف خانواده با جهت‌گیری مذهبی درونی و ارتباط منفی بین مؤلفه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با جهت‌گیری بیرونی وجود داشت (۱۲).

با توجه به ارتباط بین ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی، یافته‌های تحقیقات دیگر نیز بر اهمیت ساختار خانواده بر ویژگی‌های رفتاری فرزندان همچون رفتارهای پرخاشگرانه و سازگاری نوجوانان، احساس همبستگی در نظام خانواده و روابط مثبت اعضا تأکید می‌کنند که این باعث رضایت بیشتر زناشویی و بهزیستی هیجانی می‌شود و ارتباط انسجام با رضایت و بهزیستی هیجانی را نشان می‌دهد. ارزیابی نوع رابطه والدین و نوجوانان و ارتباط آن با سازگاری نوجوانان حاکی از آن است که روابط منفی اعضای خانواده به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بروز و تداوم مشکلات روانی، اختلال در خودپنداره، آشفته شدن محیط خانواده و انزجار تدریجی فرزندان از خانواده در نظر گرفته می‌شود (۲۴-۲۱). بنا بر تحقیقات مذکور، ساختار خانواده می‌تواند در شکل‌گیری چنین جهت‌گیری‌هایی مؤثر باشد. یکی از مؤلفه‌های اساسی جهت‌گیری مذهبی درونی، هویت، خودپنداره بالا و هدفمند بودن افراد دارای این گرایش می‌باشد که در این راستا ساختار خانواده می‌تواند در شکل‌دهی این مؤلفه‌ها نقش تأثیرگذاری داشته باشد (۲۶، ۲۵).

یکی از مسایل مؤثر در ارتباط با ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی اعضای آن، سیستم ارزشی هر یک از زوجین در نظام خانواده می‌باشد. ارزش‌های ازدواج به منزله جلوه‌های ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که هم قواعد ازدواج را توجیه می‌کند و هم مفروضه‌های عملی قلمرو زندگی زناشویی را فرا می‌خواند (۲۸، ۲۷). در تعریف ارزش‌های ازدواج می‌توان از آن به عنوان معانی و دریافت‌های ارزشی در قلمرو ازدواج که اعضای جامعه در آن‌ها اشتراک دارند، یاد کرد (۲۸). برای اولین بار پژوهش در رابطه با ارزش‌ها توسط Hofsted انجام شد (۲۸)، اما اولین تحقیق اساسی پس از آن، بررسی ارزش‌های Schwartz بود (۳۰، ۲۹). مطالعات وی بیشتر در زمینه محتوا و ساختار ارزش‌های انسان در سطح بین فرهنگی انجام شده است. در سطح درون فرهنگی (ایران) نیز به بررسی ارزش‌های ازدواج پرداخته‌اند که برگرفته از چهارچوب مفهوم فرهنگی Schwartz (۳۰، ۲۹) و مبتنی بر دو بعد جامع ارزش‌های فرهنگی آن‌ها یعنی محاط‌شدگی در مقابل خودپیروی عقلی و خودپیروی عاطفی و سلسله مراتبی در مقابل برابرنگری می‌باشد (۲۹).

نتایج تحقیقی در زمینه ارتباط ارزش‌های ازدواج و جهت‌گیری مذهبی نشان داد که بین مؤلفه خودمختاری عاطفی و عقلانی و محاط‌شدگی و سلسله مراتبی با جهت‌گیری مذهبی درونی ارتباط مثبت و بین مؤلفه‌های ارزش‌های ازدواج با جهت‌گیری بیرونی ارتباط منفی وجود دارد. همچنین، نتایج در زمینه ارتباط مستقیم بین ارزش‌های ازدواج و ساختار خانواده نیز نشان دهنده ارتباط منفی مؤلفه سلسله مراتبی و خودمختاری عاطفی و ارتباط مثبت برابرنگری و محاط‌شدگی با انسجام خانواده و ارتباط مثبت بین مؤلفه برابرنگری و ارتباط منفی خودمختاری عاطفی و عقلانی با انعطاف‌پذیری ساختار خانواده می‌باشد. بنابراین، نگرش برابرنگری به نوعی با رضایت زناشویی زوجین در ارتباط است (۱۲). با توجه به مطالب مذکور، در مورد متغیرهای سه‌گانه، از آن‌جا که دو متغیر ارزش‌های ازدواج و جهت‌گیری مذهبی با توجه به بعد فرهنگی آن در کشورمان، دو بعد جدایی‌ناپذیر نظام خانواده به شمار می‌روند و با توجه به تقدم شکل‌گیری ارزش‌های ازدواج در نظام خانواده و همچنین، توجه به جنبه اکتشافی و توسعه‌دهی نظری این تحقیق، پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی با توجه به نقش میانجی ارزش‌های ازدواج انجام گرفت. هدف مطالعه شامل «بررسی نقش میانجی ارزش‌های ازدواج در رابطه بین مؤلفه‌های ساختار خانواده (انسجام و انعطاف) با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی» بود.

مواد و روش‌ها

این تحقیق به روش توصیفی و همبستگی تحلیل مسیر در سال ۱۳۹۲ انجام شد. جامعه آماری پژوهش را افراد متأهل ساکن شهرستان بابل تشکیل دادند. به منظور انتخاب شرکت‌کنندگان، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای غیر تصادفی چند مرحله‌ای (نمونه‌گیری منطقه‌ای) استفاده گردید. به این ترتیب که در مرحله اول از بین مناطق پنج‌گانه شهرستان بابل، چهار ناحیه انتخاب شد. سپس از میان هر ناحیه، یک منطقه و نمونه‌ها نیز از منازل آن منطقه انتخاب شدند. به ازای هر متغیر پیش‌بین، ۴۰ نفر در نظر گرفته شد که به این ترتیب ۳۵۷ نفر (۲۰۸ زن و ۱۴۹ مرد) مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی گروه نمونه، ۶/۸ ± ۳۸/۴ سال بود. از سه ابزار برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد که در ادامه به تفصیل آمده است.

پرسش‌نامه ارزش‌های ازدواج: این مقیاس برگرفته از نظریه‌های ارزش‌های فرهنگی و مبتنی بر دو ریخت جامع ارزش‌های فرهنگی Schwartz یعنی محاط‌شدگی در برابر خودپیروی (که خودپیروی به دو صورت خودپیروی عقلی و خودپیروی عاطفی می‌باشد) و سلسله مراتبی در برابر برابرنگری می‌باشد که در قالب ۴۶ گزاره تنظیم شده است (۳۰). مقیاس ارزش‌های ازدواج از نوع کاغذ- مدادی است. پاسخ دهندگان میزان موافقت یا مخالفت خود با هر گزاره را روی مقیاس شش درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۶ (کاملاً موافق) درجه‌بندی می‌کنند. اعتمادپذیری مقیاس به روش آزمون- بازآزمون در یک نمونه دانشجویی دختر و پسر (۸۷ نفر) به فاصله دو هفته، در دامنه‌ای از متوسط تا بالا گزارش گردید (۳۰). ضرایب به دست آمده از خرده مقیاس‌های محاط‌شدگی، سلسله مراتبی، خودپیروی عقلی، خودپیروی عاطفی و برابرنگری به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۷۴ و ۰/۶۹ به دست آمد (۳۱). Allport بر مبنای کوشش‌های نظری خود، سعی در ساختن مقیاس برای اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی نمود و به همین منظور یک مقیاس ۲۰ گزینه‌ای را طراحی کرد که ۱۱ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]

درونی مربوط بود. Feagin یک نسخه ۲۱ آیتمی از مقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی و درونی Allport ساخت که تمام گزینه‌های وی در آن انتخاب شده بود و علاوه بر آن، یک گزینه دیگر شامل «مذهب همان کاری می‌کند که عضویت من در گروه دوستان و آشنایان می‌کند؛ یعنی کمک می‌کند که زندگی‌ام را متعادل و پایدار نگهدارم» را نیز به آن افزود (۳۲). این گزینه همبستگی مثبت بالایی (۰/۶۱) با مقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی داشت و از آن زمان به بعد این مقیاس بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. طبق تحقیق او، همبستگی بین گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی درونی با گزینه‌های جهت‌گیری بیرونی ۰/۲۱- به دست آمد (۷). در برخی مطالعات دیگر از جمله پژوهشی که Feagin انجام داد، همبستگی بین جهت‌گیری درونی و بیرونی ۰/۲۰- محاسبه گردید که بسیار نزدیک به همبستگی به دست آمده توسط Allport بود (۷). جهت سنجش روایی این آزمون در ایران، مقیاس جهت‌گیری بیرونی و درونی Feagin توسط جان بزرگی به فارسی ترجمه شد و صحت آن از طریق بازخوانی توسط متخصصان دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تأیید گردید و سپس با بازنویسی متعدد، جهت متناسب نمودن آن با بافت فرهنگی و مذهبی ایرانی کوشش شد (۷). اعتبار مقیاس مذکور بر روی یک نمونه ۳۲۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران با ضریب Cronbach's alpha برابر با ۰/۷۷ مورد تأیید قرار گرفت (۷). مطالعه دیگری نیز اعتبار این مقیاس را ۰/۷۱ گزارش نمود (۳۲).

گزینه‌های مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم گردید. نمره‌گذاری برای مقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی به صورت کاملاً مخالفم = ۵، تقریباً مخالفم = ۴، تقریباً موافقم = ۲ و کاملاً موافقم = ۱ در نظر گرفته شد. برای سؤالات جهت‌گیری مذهبی درونی نمره‌دهی به صورت کاملاً موافقم = ۱، تقریباً موافقم = ۲، تقریباً مخالفم = ۴ و کاملاً مخالفم ۵ بود.

مقیاس ارزشیابی سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده، ویرایش سوم (Family Adaptability and Cohesion Scale III یا FACES-III): این مقیاس به منظور ارزیابی کنش‌وری خانواده بر اساس مدل گشتاوری (Circumplex model) یا چند مختصاتی طراحی شده است (۳۳) و به منظور اندازه‌گیری دو بعد اصلی الگوی «پیوستگی» و «انعطاف‌پذیری» خانواده به کار می‌رود. FACES-III شامل ۲۰ سؤال در طیف لیکرت می‌باشد. این مقیاس یک پرسش‌نامه خودگزارش‌دهی است که هر یک از اعضای خانواده به طور جداگانه آن را تکمیل می‌کنند؛ یعنی اطلاعات مربوط به طبیعت ماهیت خانواده از چندین عضو جمع‌آوری می‌گردد. هر خانواده بر اساس نمرات به دست آمده در هر یک از ابعاد قرار می‌گیرد. در خصوص ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون، همبستگی گزارش شده بین پیوستگی و انطباق‌پذیری حدود صفر بود (P = ۰/۰۰۳) و این بدین معنی است که دو بعد کاملاً مستقل از یکدیگر می‌باشند (۲۸). اعتبار مقیاس ارزشیابی سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده، ۰/۷۷ برای بعد پیوستگی و ۰/۶۲ برای بعد انطباق‌پذیری برآورد شده است (۳۳).

همچنین، در پژوهشی که بر روی ۳۷۶ خانواده متشکل از پدر، مادر و یک فرزند جوان انجام شد، اعتبار ارزشیابی سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده با استفاده از ضریب Cronbach's alpha برای بعد پیوستگی ۰/۷۴ و برای بعد انطباق‌پذیری ۰/۷۵ به دست آمد (۳۴).

یافته‌ها

با توجه به این که هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای ارزش‌های ازدواج در رابطه بین ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی در قالب یک مدل ساختاری بود، از روش تحلیل مسیر به منظور ارزیابی استفاده شد که با کمک نرم‌افزار LISREL تجزیه و تحلیل گردید. مدل تحلیل ساختاری نیازمند تعریف یک مدل اندازه‌گیری و یک مدل ساختاری می‌باشد.

شاخص‌های همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارایه شده است.

سه متغیر مورد مطالعه پژوهش حاضر شامل «ساختار خانواده، ارزش‌های ازدواج و جهت‌گیری مذهبی» بود که دو متغیر آشکار انعطاف و انسجام به عنوان شاخص‌های خانواده در نظر گرفته شد و هر دو به عنوان متغیرهای برون‌زاد منظور گردید. ارزش‌های ازدواج نیز به عنوان متغیرهای میانجی و جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به عنوان متغیرهای درون‌زای آشکار بود.

به منظور ارزیابی برازش مدل، از شاخص مقایسه‌ای (Comparative fit indices یا CFI)، شاخص نیکویی برازش (Goodness of fit index یا GFI)، شاخص تعدیل شده نیکویی برازش (Adjusted goodness of fit index یا AGFI)، مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (Root mean square error of approximation یا RMSEA)، ریشه میانگین باقی‌مانده (Root mean residual یا RMR)، ریشه میانگین باقی‌مانده استاندارد شده (Standard root mean residual یا SRMR) و آماره بحرانی استفاده شد که به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۴، ۰/۹۱، ۰/۰۸، ۰/۰۵، ۰/۰۶ و ۱۶۹ به دست آمد.

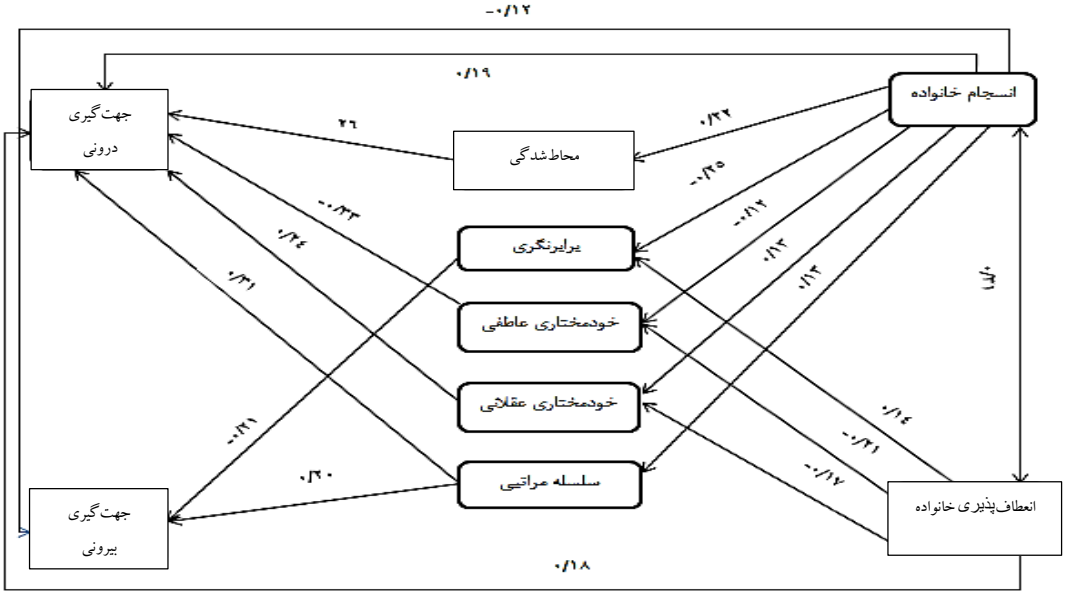
جدول ۱. میانگین و ماتریس همبستگی بین متغیرها

متغیر	میانگین ± انحراف معیار	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹
۱- انسجام	۴/۱۳ ± ۱/۱۸	۱								
۲- انعطاف	۳/۸۷ ± ۱/۰۷	۰/۳۹**	۱							
۳- محاط‌شدگی	۳/۲۳ ± ۱/۲۳	۰/۲۹**	۰/۱۱	۱						
۴- برابرنگری	۳/۵۶ ± ۱/۰۸	-۰/۳۲**	۰/۲۲**	۰/۴۶	۱					
۵- سلسله مراتبی	۴/۰۵ ± ۰/۷۶	۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۵۳	۰/۵۰	۱				
۶- خودمختاری عاطفی	۳/۷۳ ± ۱/۱۱	-۰/۱۹	-۰/۲۶**	-۰/۴۹	۰/۳۸	-۰/۵۱	۱			
۷- خودمختاری عقلانی	۳/۸۹ ± ۱/۱۸	۰/۲۱**	-۰/۲۹**	-۰/۴۲	۰/۴۷	۰/۵۳	۰/۵۷	۱		
۸- جهت‌گیری مذهبی درونی	۴/۲۳ ± ۰/۵۴	۰/۲۵**	۰/۱۳	۰/۳۳**	۰/۱۱	۰/۳۷**	-۰/۳۸**	۰/۳۵**	۱	
۹- جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۳/۱۰ ± ۱/۰۳	-۰/۱۸*	۰/۲۴**	۰/۱۲	-۰/۲۷**	۰/۲۸**	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۰۷	۱

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]

http://rbs.mui.ac.ir



شکل ۱. مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم معنی‌دار متغیرهای ابعاد ساختار خانواده و ارزش‌های ازدواج بر جهت‌گیری مذهبی

اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک در شکل ۱ آمده است. بر اساس داده‌های جدول ۳، ارزش‌های ازدواج در بیشتر روابط بین ساختار انسجام و انعطاف خانواده و انواع جهت‌گیری مذهبی نقش واسطه‌ای داشت.

برای تفسیر بهتر نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر، مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم ارتباط بین مؤلفه‌های ساختار خانواده با مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری ارزش‌های ازدواج در ادامه آمده است.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از تحلیل مسیر با استفاده از ضرایب استاندارد بتا، انسجام خانواده بر روی مؤلفه محاط‌شدگی و مؤلفه محاط‌شدگی نیز بر روی مؤلفه جهت‌گیری درونی تأثیرگذار بود. از طرف دیگر، با توجه به تأثیر مستقیم انسجام خانواده بر جهت‌گیری مذهبی درونی و معنی‌دار بودن مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در این مدل، می‌توان گفت که مؤلفه محاط‌شدگی در ارتباط بین مؤلفه انسجام خانواده و جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) نقش میانجی نسبی داشت. همچنین، مؤلفه انسجام خانواده بر روی مؤلفه برابرنگری تأثیر منفی و مؤلفه برابرنگری روی مؤلفه جهت‌گیری بیرونی تأثیر مثبتی گذاشت.

از طرف دیگر، با توجه به اثر مستقیم انسجام خانواده با جهت‌گیری مذهبی بیرونی و معنی‌دار بودن مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در این مسیر، می‌توان چنین عنوان نمود که مؤلفه برابرنگری در ارتباط بین مؤلفه انسجام خانواده و جهت‌گیری مذهبی بیرونی نقشی میانجی را ایفا می‌کند. مؤلفه انسجام خانواده بر روی مؤلفه خودمختاری عاطفی و مؤلفه خودمختاری عاطفی نیز بر روی مؤلفه جهت‌گیری درونی تأثیر منفی داشت.

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای برون‌زاد (پیش‌بین) بر متغیرهای درون‌زاد (ملاک)

متغیر ملاک	اثر کل	اثر غیر مستقیم	متغیر رابط	اثر مستقیم	متغیر پیش‌بین
جهت‌گیری درونی	۰/۲۴	۰/۰۵	محاط‌شدگی	۰/۱۹	انسجام خانواده
	۰/۲۷	۰/۰۸	برابرنگری		
	۰/۲۱	۰/۰۲	خودمختاری عقلانی		
	۰/۲۲	۰/۰۳	سلسله مراتبی		
	۰/۱۴	-۰/۰۴	برابرنگری	۰/۱۸	انعطاف خانواده
	۰/۲۴	۰/۰۶	خودمختاری عاطفی		
	۰/۲۱	۰/۰۳	خودمختاری عقلانی		
جهت‌گیری بیرونی	-۰/۱۸	-۰/۰۶	برابرنگری	-۰/۱۲	انسجام خانواده
	-۰/۱۴	-۰/۰۲	خودمختاری عاطفی		
	۰/۰۶	۰/۰۳	برابرنگری	-	انعطاف خانواده
		۰/۰۳	خودمختاری عاطفی		

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]
http://rbs.mui.ac.ir

از سوی دیگر، با توجه به اثر مستقیم انسجام خانواده با جهت‌گیری مذهبی درونی و معنی‌دار بودن مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در این مسیر، می‌توان بیان نمود که مؤلفه خودمختاری عاطفی در ارتباط بین مؤلفه انسجام خانواده و جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) نقش میانجی نسبی را ایفا کرد. همچنین، مؤلفه انسجام خانواده بر روی مؤلفه خودمختاری عقلانی و مؤلفه خودمختاری عقلانی نیز بر روی مؤلفه جهت‌گیری درونی تأثیر گذاشت. با توجه به تأثیر مستقیم انسجام خانواده با جهت‌گیری مذهبی درونی و معنی‌دار بودن مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در این مسیر، می‌توان چنین ذکر کرد که مؤلفه خودمختاری عقلانی در ارتباط بین مؤلفه انسجام خانواده و جهت‌گیری مذهبی درونی نقش میانجی نسبی داشت.

مؤلفه انسجام خانواده بر روی مؤلفه سلسله مراتبی اثر داشت. همچنین، مؤلفه سلسله مراتبی روی مؤلفه جهت‌گیری درونی تأثیر منفی و روی جهت‌گیری بیرونی تأثیر مثبتی را نشان داد. از طرف دیگر، با توجه به اثر مستقیم انسجام خانواده با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و معنی‌دار بودن مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم، لازم به ذکر است که مؤلفه سلسله مراتبی در ارتباط بین مؤلفه انسجام خانواده و جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نقش میانجی نسبی را ایفا نمود.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر با استفاده از ضرایب استاندارد بتا در رگرسیون هم‌زمان، مؤلفه انعطاف‌پذیری خانواده بر مؤلفه برابرنگری و مؤلفه برابرنگری نیز روی مؤلفه جهت‌گیری بیرونی تأثیر گذاشت. از طرف دیگر، با توجه به تأثیر مستقیم مؤلفه انعطاف‌پذیری و معنی‌دار بودن مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در این مسیر، می‌توان چنین عنوان نمود که مؤلفه برابرنگری در ارتباط بین مؤلفه انعطاف‌پذیری خانواده و جهت‌گیری مذهبی بیرونی نقش میانجی نسبی را ایفا کرد. همچنین، مؤلفه انعطاف‌پذیری بر مؤلفه سلسله مراتبی و مؤلفه سلسله مراتبی نیز روی جهت‌گیری بیرونی تأثیر داشت. از طرف دیگر، با توجه به تأثیر مستقیم مؤلفه انعطاف‌پذیری با جهت‌گیری بیرونی و معنی‌دار بودن مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در این مسیر، می‌توان چنین عنوان نمود که مؤلفه سلسله مراتبی در ارتباط بین مؤلفه انعطاف‌پذیری خانواده و جهت‌گیری مذهبی بیرونی نقش میانجی نسبی داشت.

همچنین، مؤلفه انعطاف‌پذیری با مؤلفه‌های خودمختاری عاطفی و خودمختاری عقلانی ارتباط معنی‌داری را نشان داد و مؤلفه‌های خودمختاری عاطفی و خودمختاری عقلانی نیز بر جهت‌گیری مذهبی درونی تأثیر گذاشت. از طرف دیگر، با توجه به عدم معنی‌داری تأثیر مستقیم مؤلفه انعطاف‌پذیری با جهت‌گیری درونی و معنی‌دار بودن مسیر غیر مستقیم در این مسیر، می‌توان چنین عنوان نمود که مؤلفه‌های خودمختاری عاطفی و عقلانی در ارتباط بین مؤلفه انعطاف‌پذیری با جهت‌گیری درونی نقش میانجی را ایفا نمود.

در ارتباط با سؤال اول، نتایج جدول ۳ نشان داد که مؤلفه‌های محاط‌شدگی، خودمختاری عاطفی، خودمختاری عقلانی و سلسله مراتبی نقش میانجی در ارتباط با انسجام خانواده داشت. همچنین، در ارتباط با نقش میانجی مؤلفه‌های ارزش ازدواج با انعطاف‌پذیری خانواده و جهت‌گیری مذهبی نیز نتایج حاکی از آن بود که مؤلفه‌های خودمختاری عاطفی و خودمختاری عقلانی نقشی میانجی بین انعطاف خانواده و جهت‌گیری درونی دارد. در ارتباط با سؤال دوم نیز می‌توان گفت که مؤلفه‌های برابرنگری و سلسله مراتبی نیز نقش میانجی را در ارتباط با انسجام خانواده و جهت‌گیری مذهبی بیرونی ایفا کردند و مؤلفه برابرنگری نیز نقش میانجی با انعطاف خانواده و جهت‌گیری بیرونی داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌گری ارزش‌های ازدواج در روابط بین ساختار خانواده و جهت‌گیری مذهبی انجام گردید. در این رابطه یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر حاکی از آن بود که مؤلفه‌های انسجام و انعطاف از ساختار خانواده به واسطه ارزش‌های ازدواج، بر جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی)، تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد که در ادامه به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

جهت‌گیری مذهبی درونی: نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که مؤلفه انسجام از ساختار خانواده هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم از طریق چهار بعد ارزش‌های ازدواج (محاط‌شدگی، خودمختاری عاطفی، خودمختاری عقلانی و سلسله مراتبی)، با جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه دارد. همچنین، مؤلفه انعطاف از ساختار خانواده هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم از طریق دو بعد ارزش‌های ازدواج (خودمختاری عاطفی و خودمختاری عقلانی)، ارتباطی را با جهت‌گیری مذهبی درونی نشان داد. این نتایج با یافته‌های تحقیق آهنگرکانی و همکاران (۱۲) همسو بود. در تبیین تأثیر مستقیم مؤلفه انسجام از ساختار خانواده در جهت‌گیری مذهبی درونی می‌توان گفت، خانواده‌هایی که نظام ساختاری آن‌ها منسجم است، نسبت به ارزش‌ها و علایق یکدیگر حساس‌تر می‌باشند و در فعالیت‌های خانوادگی وقت و انرژی بیشتری هم برای اعضای خانواده و هم برای مراقبت و مواظبت از آن‌ها می‌گذارند که چنین رفتارهایی در نظام خانواده علاوه بر شکل‌گیری پیوستگی خانواده، سبب شکل‌گیری و تقویت دیدگاه‌ها و باورهای مذهبی درونی اعضای خانواده می‌گردد (۱۲). علاوه بر این، در تبیین تأثیر مستقیم مؤلفه انعطاف از ساختار خانواده در جهت‌گیری مذهبی درونی نیز می‌توان بیان کرد، افراد تربیت یافته در خانواده‌هایی که نظام آن‌ها مبتنی بر حق اظهار نظر آزادانه در فضای خانواده و احترام گذاشتن به عقاید اعضای خانواده و به طور کلی، انعطاف‌پذیری در نقش رهبری و مدیریت خانواده و شیوه‌های مذاکره می‌باشد، نظام خانواده در شکل‌دهی و جهت‌دهی باورهای مذهبی درونی و باطنی نقش مهمی دارد (۱۸).

مؤلفه انسجام از ساختار خانواده علاوه بر تأثیر مستقیم، با واسطه‌گری مؤلفه‌های محاط‌شدگی، خودمختاری عقلانی و خودمختاری عاطفی، سلسله مراتبی از ارزش‌های ازدواج بر جهت‌گیری مذهبی درونی اثر غیر مستقیمی دارد. در تبیین نقش ارزش محاط‌شدگی می‌توان گفت که محاط‌شدگی، به احترام نسبت به سنت و حفظ رفتارهای مرسوم اشاره می‌کند. بنابراین، خانواده‌هایی که در نظام خانوادگی‌شان احساس مسؤولیت، پذیرش و تعهد عاطفی و گرمی روابط و عواطف حاکم باشد، نسبت به سنت‌ها و حفظ رفتارهای مرسوم در خلال احترام و پذیرش آداب، به قواعد و نقش‌های خانواده تأکید می‌کنند. همچنین، در ارتباط با نقش خودمختاری عاطفی می‌توان به این نکته اشاره کرد، افرادی که در خانواده منسجم پرورش می‌یابند، کمتر متوجه آزادی و استقلال خود در تجربه کردن لذت، زندگی هیجان‌انگیز و تنوع در زندگی هستند و چنین افرادی با توجه به نظام ارزشی ازدواجشان و با استقرار در خانواده منسجم، به نوبه خود سبب شکل‌گیری باورهای مذهبی درونی و اصیل می‌شوند.

در ارتباط با ارزش خودمختاری عقلانی نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد، اشخاصی که در خانواده منسجم رشد می‌کنند، به اعضای خانواده احساس مسؤولیت بیشتری دارند و بیشتر توجهاتشان را به نیازهای مشترک اعضای خانواده معطوف می‌کنند و چنین افرادی در فضای خانواده به عقاید دیگران

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]
http://rbs.mui.ac.ir

احترام می‌گذارند و اعضای خانواده را در تصمیم‌گیری‌های مشترک مشارکت می‌دهند. در ارتباط با نقش ارزش سلسله مراتبی نیز می‌توان گفت، افرادی که در خانواده منسجم پرورش پیدا می‌کنند، می‌توانند کمتر واجد ارزش‌هایی همچون ارزنده‌سازی منابع قدرت و اعتقاد به توزیع نابرابر قدرت و نقش‌ها در زندگی زناشویی باشند.

نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن بود که مؤلفه انعطاف از ساختار خانواده با واسطه‌گری مؤلفه‌های خودمختاری عاطفی به صورت مثبت و خودمختاری عقلانی به صورت منفی بر جهت‌گیری مذهبی درونی به طور غیر مستقیم تأثیر دارد. این نتایج بیان می‌کند که هرچه ساختار خانواده‌ها منعطف‌تر باشد، بهتر می‌توانند خصیصه‌هایی همچون حق اظهار نظر آزادانه در فضای خانواده، در نظر گرفتن خواسته‌های اعضا و مشارکت‌دهی آن‌ها در تصمیمات و تدوین قواعد خانوادگی را پرورش دهند و این در حالی است که فضای باز حاکم بر روابط بین اعضای خانواده موجب می‌شود که اعضای خانواده به آزادی و استقلال بیشتری در دنبال کردن تجربیات مثبت عاطفی مانند لذت، زندگی هیجانی و تنوع در زندگی دست یابند. چنین فضایی سبب توجه و تأکید بیشتر اعضا به کنجکاوی‌های شخصی و استقلال خود مبنی بر هدفشان می‌شود که با ایجاد یک عامل مهم انگیزشی در زندگی فرد، در شکل‌دهی و تقویت باورهای مذهبی درونی افراد تأثیر دارد.

جهت‌گیری مذهبی بیرونی: نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که مؤلفه انسجام از ساختار خانواده هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم از طریق دو بعد ارزش‌های ازدواج (برابرنگری و سلسله مراتبی)، با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه داشت. همچنین، نتایج ارتباط معنی‌داری را بین مؤلفه انعطاف از ساختار خانواده به طور غیر مستقیم از طریق بعد ارزش‌های ازدواج (برابرنگری) بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی نشان داد. در تبیین تأثیر مستقیم و منفی مؤلفه انسجام از ساختار خانواده، می‌توان گفت که هرچه خانواده‌ها حساسیت کمتری نسبت به ارزش‌ها و علایق یکدیگر داشته باشند و در فعالیت های خانوادگی وقت و انرژی کمتری صرف یکدیگر کنند و به عبارت دیگر، هرچه افراد تعهد عاطفی کمتری نسبت به اعضای خانواده داشته باشند، این ویژگی در نظام خانواده در خودمحور کردن اعضا و تقویت مذهب رشد نایافته و سودجوی اعضای خانواده مؤثر می‌باشد. علاوه بر این، مؤلفه انسجام از ساختار خانواده علاوه بر تأثیر مستقیم با واسطه‌گری مؤلفه‌های ارزش برابرنگری و سلسله مراتبی، بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی اثر غیر مستقیم داشت. در تبیین نقش واسطه‌ای ارزش برابرنگری می‌توان گفت که هرچه خانواده‌ها نسبت به ارزش‌ها و علایق اعضای خانواده حساسیت بیشتری داشته باشند و برای همسر و فرزندان خود وقت و انرژی بیشتری صرف کنند، افراد پرورش یافته در این نظام خانواده برای حفظ انسجام خانواده توجه کمتری به کنجکاوی‌های شخصی و استقلال‌طلبی خود و به طور طبیعی توجه بیشتری به نیازهای خانوادگی دارند و ارزش بیشتری به توزیع نقش برابر با توجه به توانمندی‌های خانواده قایل هستند. بنابراین، افرادی که در نظام خانواده با چنین ارزش‌هایی رشد می‌یابند، افراد خودساخته‌ای هستند که به نوبه خود پرورش دهنده افکار و باورهای مذهبی درونی و رشد یافته در افراد و اعضای نظام خانواده و کمتر مروج جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌شوند.

در تبین نقش ارزش سلسله مراتبی در ارتباط غیر مستقیم مثبت می‌توان بیان کرد که هرچه افراد در خانواده منسجمی پرورش یافته باشند و پایبندی بیشتری به ارزش‌های سلسله مراتبی داشته باشند، خودمحوری بیشتری در هدفشان مشاهده می‌شود و کمتر خود و دیگران را در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌دهند و بیشتر دستورات را دیکته می‌کنند (۲۰). بنابراین، کسانی که دارای جهت‌گیری بیرونی هستند و دینداری را برای دستیابی به اهداف شخصی دنبال می‌کنند، انعطاف‌ناپذیری و قدرت همسازی پایینی دارند که این ارزش سلسله مراتبی می‌تواند در شکل‌گیری این نوع جهت‌گیری نقش داشته باشد.

یافته دیگر پژوهش حاضر حاکی از آن بود که مؤلفه انعطاف از ساختار خانواده با جهت‌گیری مذهبی بیرونی اثر مستقیم ندارد، اما با واسطه‌گری مؤلفه برابرنگری بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی به طور غیر مستقیم و مثبت تأثیر دارد. این رابطه غیر مستقیم در حالی وجود دارد که ساختار انعطاف خانواده بر برابرنگری تأثیر مثبت و این مؤلفه از ارزش‌های ازدواج نیز به نوبه خود بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی تأثیر مثبتی دارد. تأثیر غیر مستقیم انعطاف‌پذیری خانواده بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی به واسطه برابرنگری بیان‌کننده این نکته است که چنانچه فضای حاکم بر محیط‌های خانوادگی مبتنی بر انعطاف‌پذیری در شیوه مدیریت و شیوه‌های مذاکره باشد، از افراد انتظار می‌رود نسبت به هر یک از اعضای خانواده، احساس تعهد نمایند و در برابر پذیرش توزیع برابر نقش‌ها متناسب با توانمندی‌های اعضا انعطاف نشان دهند. بنابراین، خانواده‌هایی که این ویژگی در خانوادشان حاکم نباشد، می‌توانند مذهبی بیرونی و رشد نایافته را در خود و یا در هر یک از اعضای خانواده رشد و پرورش دهند.

اگر خانواده‌ها بخواهند گرایش مذهبی افراد خانواده را شکل دهند، پیشنهاد می‌شود به نوع ساختار خانواده و ارزش‌هایی که در فضای خانواده پرورش می‌دهند، دقت بیشتری داشته باشند.

تحقیق حاضر دارای محدویت‌هایی بود که از آن جمله می‌توان به عدم تکمیل پرسش‌نامه‌ها در حضور محقق و میسر نبودن امکان تکمیل پرسش‌نامه توسط هر دو زوجین در حضور محقق که روایی داخلی نتایج پژوهش را با مشکل مواجه می‌سازد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به طور هم‌زمان از دیدگاه زوجین در زمینه ارزش‌های ازدواج قبل و بعد از ازدواج به منظور بررسی همخوانی دیدگاه استفاده گردد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از کلیه آزمودنی‌هایی که در تکمیل پرسش‌نامه‌ها همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. Koenig HG, Pargament KI, Nielsen J. Religious coping and health status in medically ill hospitalized older adults. J Nerv Ment Dis 1998; 186(9): 513-21.
2. Graham S, Furr S, Flowers C, Burke MT. Religion and spirituality in coping with stress. Couns Values 2001; 46(1): 2-13.
3. Krause N. Religious meaning and subjective well-being in late life. J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci 2003; 58(3): S160-S170.
4. Spilka B, Shaver P, Kirkpatrick LA. A general attribution theory for the psychology of religion. J Sci Study Relig 1985; 24(1): 1-20.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]

5. Karami J, Roghanchi M, Atari YA, Beshlideh K, Shekari M. The simple and multiple relationships between some aspects of religious orientation and mental health. Journal Of Education And Psychology 2006; 13(3): 31-52. [In Persian].
6. Abdullah Zadeh H, Bagher-Pour M, Bouzhmehrani S, Lotfi M. Spiritual intelligence (Concepts, measurement and its applications). Tehran, Iran: Ravan-Sanji Publications; 2009. [In Persian].
7. John Bozorgi M. Effect of short-term psychotherapy and religious orientation on anxiety and tension [PhD Thesis]. Tehran, Iran: University of Tehran; 1999. [In Persian].
8. Maltby J, Lewis CA, Day L. Religious orientation and psychological well-being: The role of the frequency of personal prayer. Br J Health Psychol 1999; 4(Part 4): 363-78.
9. Nuval JA. The relationship of depression with intrinsic and extrinsic components of religiosity in the older adult female [PhD Thesis]. Terre Haute, Indiana, Indiana State University; 2010.
10. Ward AM. The relationship between religiosity and religious coping to stress reactivity and psychological well-being [Thesis]. Atlanta, GA: Georgia State University; 2010.
11. Messay B. The relationship between quest religious orientation, forgiveness and mentalhealth [MSc Thesis]. Dayton, OH: University of Dayton; 2010.
12. Ahangarcani M, Zadehmohammadi A, Heidari M, Talebi M. The relationship between marital values and religion orientation with family structure in male and female married individuals. J Res Behave Sci 2014; 12(1): 44-57. [In Persian].
13. Sullivan KT. Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. J Fam Psychol 2001; 15(4): 610-26.
14. Marsh R, Dallos R. Roman Catholic couples: Wrath and religion. Fam Process 2001; 40(3): 343-60.
15. Rasouli R, Soltani Gerdefaramarzi S. The comparison and relationship between religious orientation and practical commitment to religious beliefs with marital adjustment in seminary scholars and university students. Journal of Family Research 2013; 8(4): 427-39. [In Persian].
16. Ahmadi Noudeh KH, Fathi Ashtiani A, Arab Nia AR. The relation between religiosity and marital adjustment. Journal of Family Research: 2006; 2(5): 55-67. [In Persian].
17. Hosseini Nasab SD, Hashemi T, Fotuhi S. Study of relationship between religious orientation and marital adjustment. Modern Psychological Research 2009; 4(14): 49-62. [In Persian].
18. Ahangakani M, Zadeh Mohammadi A, Heidari M. Relationship of marriage values and religious orientation with family structure in married persons [MSc Thesis]. Tehran, Iran: Shahid Beheshti University; 2013. [In Persian].
19. Trangkasombat U. Family functioning in the families of psychiatric patients: A comparison with nonclinical families. J Med Assoc Thai 2006; 89(11): 1946-53.
20. Tiesel JW. FACES IV & the Circumplex Model: Validation Study [Online]. [cited 2007]; Available from: URL: www.laviecounseling.org/vfh/vfhasm/FACESIV.Development.pdf
21. Rivera FI, Guarnaccia PJ, Mulvaney-Day N, Lin JY, Torres M, Alegria M. Family cohesion and its relationship to psychological distress among latino groups. Hisp J Behav Sci 2008; 30(3): 357-78.
22. Hartos JL, Power TG. Association between mother and adolescent reports for assessing relations between parent-adolescent communication and adolescent adjustment. J Youth Adolesc 2000; 29(4): 441-50.
23. Behnke AO, Macdermid SM, Coltrane SL, Parke RD, Duffy S., Widaman KF. Family cohesion in the lives of Mexican American and European American parents. J Marriage Fam 2008; 70(4): 1045-59.
24. Vandeleur CL., Jeanpretre N, Perrez M, Schoebi D. Cohesion, satisfaction with family bonds, and emotional well-being in families with adolescents. J Marital Fam 2009; 71(5): 1205-19.
25. Bahreini M, Behzadi S, Jokar B, Dehghan F, Shahamat S. Relationship between structure of power and cohesion in family and self-concept of students. J Babol Univ Med Sci 2010; 12(3): 64-71. [In Persian].
26. Yazdkhasti H. Interactive effect of family structure and identity based on the selected images traditional home [MS Thesis]. Tehran, Iran: Shahid Beheshti University; 2009. [In Persian].
27. Schwartz SH. A theory of cultural values and some implications for work. J Appl Psychol 1999; 48(1): 23-47.
28. Hofstede G. Culture's Consequences: International differences in work-related values. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications; 1980.
29. Schwartz SH. Beyond individualism-collectivism: New cultural dimensions of values. In: Kim U, Triandis H, Kagitcibasi C, Choi SC, Yoon S, Editors. Individualism and Collectivism: Theory, Method, and Applications. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.; 1994 p. 85-119.
30. Schwartz SH. Universals in the content and structure of values: Theoretical advances and empirical tests in 20 countries. In: Zanna MP, Editor. Advances in experimental social psychology. Philadelphia, PA: Elsevier; 1992. p. 1-65.
31. Delkhamoush MT. Hierarchy of marriage values among the Iranian youth. Journal of Family Research 2009; 5(18): 207-30. [In Persian].
32. Khodayari Fard M, Ghobari Bonab B, Shokouhi Yekta M. The domain of psychological researches on religion. Iran J Psychiatry Clin Psychol 2001; 6(4): 45-54. [In Persian].
33. Olson D. FACES IV and the Circumplex Model: Validation study. J Marital Fam Ther 2011; 37(1): 64-80.
34. Mazaheri A, Sadeghi S, Heydari M. A comparison of family structure perception and ideal between parents and their young children. Journal of Family Research 2009; 4(16): 329-52. [In Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]

DOI: 10.22122/rbs.v16i1.2081 Published by Vesnu Publications

The Prediction of Family Flexibility and Cohesion and Religious Orientation with the Mediation of Marital Values among Married Individuals

Mohammad Ahangarcani[1], Asghar Pourdarvish[2], Fatemeh Shafie[3], Elaheh Godarz-Naseri[4]

Original Article

Abstract

Aim and Background: According to the role of religion and religious in function and mental health of society and family members, and regarding the effect of family structure and values on religious orientation, this study aimed to investigate the mediating effect of marital values in the relationship between family structure and religious orientation.

Methods and Materials: In this study, 357 marital individual (208 women and 149 men) selected from Babol City, Iran, through a multistage random cluster sampling method. Participants completed the Olson family structure, Allport religious orientation, and Delkhamoush marital value scales.

Findings: There was a significant correlation between family cohesion with internal orientation ($P < 0.01$), external orientation ($P < 0.01$), embeddedness ($P < 0.01$), egalitarianism ($P < 0.01$), affective autonomy ($P < 0.05$), intellectual autonomy ($P < 0.05$), and hierarchy ($P < 0.01$). Moreover, there were a significant correlation between family flexibilitywith internal orientation ($P < 0.05$), affective autonomy ($P < 0.05$), intellectual autonomy ($P < 0.05$), and egalitarianism ($P < 0.01$), and the result of the path analysis and the model goodness of fit indices supported the meditational effect of marital values.

Conclusions: It is concluded that family structure and marital value, as two psychological constructs, can play a significant role in creating religion orientation.

Keywords: Family members, Religious beliefs, Marriage patterns, Married persons

Citation: Ahangarcani M, Pourdarvish A, Shafie F, Godarz-Naseri E. **The Prediction of Family Flexibility and Cohesion and Religious Orientation with the Mediation of Marital Values among Married Individuals.** J Res Behav Sci 2018; 16(1): 93-100.

Received: 15.12.2017 Accepted: 09.02.2018 Published: 04.04.2018

1- PhD Student, Department of Psychology, School of Educational Sciences and Psychology, Semnan University, Semnan, Iran
2- PhD Student, Department of Psychology, School of Educational Sciences and Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran
3- MSc Student, Department of Social Sciences, University of Science and Culture, Tehran, Iran
4- Department of Psychology, School of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Corresponding Author: Mohammad Ahangarcani, Email: m_ahangarcani@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.1.13.9]